

تحولات جدید حقوق بین‌الملل
عمومی در مورد
قانونی بودن آزمایش‌های اتمی
در دریای آزاد

شانتل برنیر
ترجمه و تلخیص: دکتر رضا فیوضی

مقدمه

بحث در مورد قانونی بودن آزمایش‌های اتمی در دریای آزاد به هیچ وجه موضوع تازه‌ای نیست؛ زیرا در سال 1974 دیوان بین‌المللی دادگستری، قضیه آزمایش‌های اتمی فرانسه¹ را مورد رسیدگی قرار داد و در سال 1964 هم این مسئله در گزارش کمیته مشورتی حقوقی کشورهای آسیایی و افریقایی به بحث گذاشته شد² و مورد توجه و تحقیق بسیاری از حقوقدانان نیز می‌باشد. به‌طور کلی باید گفت که اکثریت علمای حقوق به این نتیجه رسیده‌اند که آزمایش‌های اتمی در دریای آزاد، براساس قواعد مشروحه زیر، غیر قانونی می‌باشد:

1. (1974) C.I.J. p.253.

2. Report of the Committee and Background Materials, publié par le Secréariat du Comité.

1. حق آزادي در دريائي آزاد.³
2. تكليف بين‌المللي هر دولت در قلمرو حاكميتش مبني بر خودداري از ارتكاب اعمالی كه به دولت ديگري ضرر مي‌رساند.⁴
3. غير قانوني بودن استعمال سلاح‌هاي اتمي.⁵
4. غير قابل استناد بودن حق دفاع اضطراري و مشروع، بدون اينكه يك حمله اتمي صورت گرفته باشد.⁶

3 . Margolis, "The Hydrogen Bomb Experiments and International Law": (1995), Yale Law Journal, vol. 64, p.629; Furet, Expérimentation des armes nucléaires et droit international, 1966, p.38; Gidel, "Explosions nucléaires expérimentales et liberté de la haute mer" dans Festschrift für Jean Spiropoulos, p. 69 et Droit international de la mer, Vol. 1, p. 125 s; Fisher Droit international et expérimentation des armes nucléaires: A.F.D.I. 1956, p.309; Tiewul, International Law and Nuclear Tests Explosions in the High Seas, Cornell International Law Journal, Vol. 8 (1974), p. 45; Mercer "International Law and the French Weapons Tests" New Zealand Law Journal (1968), p. 405; Swan, "An Explosive Issue in International Law": The French Nuclear Tests: Melbourne University Law Review (1973-1974), p. 296; Fliess, "The Legality of Atmospheric Nuclear Tests – A Critical View on International Law in the Cold War" University of Florida Law Review, Vol.15 (1962). p.21; Ris, tional Law and policy, vol. 3-4 (1973-1974) p. 111; Hydeman and Berman, International Control of Nuclear Maritime Activities (1960), p. 215.

4. Elkind, "Footnote to the Nuclear Tests Cases: Abuse of Right – A Blind Alee for Environmentaalists": Vanderbilt Journal of Transnational Law (1976), p. 68, Furet, op. cit., p.61.

5. Schwarzenberger, The Legality of Nuclear Weapons (1958), p. 51; Brownlie , "Some Legal Aspects of the Use of Nuclear Weapons": 14 ICLQ (1969), P. 437.

6. Taubenfels, "Nuclear Testing and International Law": 16 South Wales Law Journal (1963), p. 365; Bowett, Law of the Sea, Chap. I, p.44 s; McDougal and Schlei, "The Hydrogen Bomb Tests in Prespective: Lawful Measures for Security" : (1955) Yale Law Journal, vol. 64, p. 648; Ris, op. cit. ; voir aussi l'article 51 de la Charte des Nations Unies.

5. اهمیت جهانی قراردادهای منع آزمایش‌های اتمی زیر دریا، در هوا و فضا⁷ با توجه به توافق همگانی در سطح جهانی.

6. قراردادهای منع آلودگی محیط زیست.⁸

خاطر خواننده را به این مطلب جلب می‌نماید که منظور از نوشتن این مقاله یادآوری و تکرار آن اصولی از حقوق بین‌الملل که مخالف آزمایش‌های اتمی در خارج از قلمرو حاکمیت یک دولت می‌باشد، نیست، بلکه منظور بیشتر، تحقیق در گرایش‌های جدیدی می‌باشد که در حقوق بین‌الملل در مورد این موضوع پیدا شده است. این گرایش‌ها را می‌توان به‌طور کلی در سه نظریه جدید خلاصه کرد:

1. حاکمیت تصمیم‌گیری دولت.⁹

7. En 5 ans, 80 Etats avaient ratifié le traité le traité. Cf. Fisher, "L'interdiction partielle des essais nucléaires": A.F.D.I. 1963, P. 3 ET Non-Proliferation of Nuclear Weapons, p.9 et R.G.D.I.P., 1966 p. 1031 et 1969, p. 462; Brown, Arms Control in Hydrospace: Legal Aspects: Ocean Series 301, p.99.

8. Lee, "The Legality of Nuclear Tests and Weapons": Osterreichische Zeitschrift für Offentliches Recht, vol. 18 (1968), p. 307; Rubin, "Pollution by Analogy: The Trail Smelter Arbitration" 50 Oregon Law Review (1971), p.259; Tiewul, op. cit.

9. De "decisional sovereignty" dans l'AFFAIRE DES Essais nucléaires français, (1974), Plaidoiries, Cour Internationale de Justice, p.479; repris dans Brownlie, "Causes of Action in the Law of Nations": BYIL (1979), p. 13, à la page 26.

2. حق بنيادي براي داشتن محيط
زيست سالم .
3. نظريه (محيط زيست مشترك)¹⁰

1

حاکمیت تصمیم‌گیری دولت

الف. نظريه حاکمیت تصمیم‌گیری دولت

در قضيه آزمون‌هاي اتمي فرانسه كه در ديوان بين‌المللي دادگستري مطرح گرديد، نظريه جديد «غير قابل نقض بودن حاکمیت تصمیم‌گیری دولت» توسط دولتهای استرالیا و زلاندنو ارائه و توجيه گرديد. بند 49 دادخواست استرالیا در اين مورد به اين شرح عنوان شده است:

- «1. ريزش گرد و خاك و مواد راديواكديو در سرزمين استرالیا و پخش اين مواد در هواي آن كشور، بدون رضایت استرالیا .
2. نقض حاکمیت ارضي استرالیا .
3. لطمه و تجاوز به حق مطلق استرالیا در تعيين اينكه ارتكاب چه

10. L'expression est empruntée aux auteurs américains – notamment Kirgis, Bleicher et Handl, cités plus loin – traduite de “shared environment”.

اعمالی در قلمرو این کشور مجاز است و
بخصوص آنکه آیا استرالیا و مردم آن
بایستی در معرض پرتوهای
رادیواکتیو ناشی از منابع
مصنوعی باشند؟»¹¹

به طور کلی دلایل استرالیا در توجیه
نظریه خود، بر اصل عمومی حاکمیت
دولتها استوار است که در دو جنبه
گوناگون مورد تحقیق قرار گرفته است:
-حاکمیت ملی از دید سرزمینی.
-حاکمیت ملی از دید حق تصمیم‌گیری
دولت.

به این ترتیب استرالیا مدعی است
که به حاکمیت ملی آن دولت به دو صورت
تجاوز و لطمه وارد آمده است:
اول: لطمه فیزیکی به سرزمین
استرالیا، با پخش مواد مضر و
رادیواکتیو.¹²

11. Affaire des essais nucléaires français, Plaidoiries, Cour Internationale de Justice (1974), vol. 1, p. 14.

12. Affirmant la souveraineté de l'Etat sur l'espace aérien au-dessus de son territoire: Convention de Chicago sur l'aviation civile international Air Transport p. 120.

دوم: لطمه به صلاحیت تصمیم‌گیری آن دولت در زمینه قواعد بهداشتی، با پخش مواد خطرناک و مضر توسط دولت فرانسه.¹³ استرالیا در تشریح نظریه خود، این مطلب را عنوان می‌کند که کشوری است مستقل و تنها این کشور است که می‌تواند و حق دارد شرایط و مختصات محیط زیست خود را تعیین و در مورد آن قاعده‌گذاری کند. بنابراین اگر دولت فرانسه بدون رضایت و موافقت استرالیا مبادرت به آزمایش‌های اتمی نماید و در نتیجه، مواد رادیواکتیو در فضای آن کشور پخش گردد و یا صرفاً محیط زیست آن را در معرض خطر قرار دهد، به حق مطلق و انحصاری حاکمیت استرالیا تجاوز شده است. نظر به اینکه جنبه معنوی این حق حاکمیت مورد تجاوز قرار گرفته است، بنابراین برای تحقق مسئولیت [فرانسه]، ضروری نیست که حتماً خسارت مادی نیز وارد شده باشد، بلکه به‌صرف این‌که اراده و حق‌گزینش یک دولت با انجام این نوع آزمایش‌ها در قلمرو آن نادیده گرفته شده و در نتیجه، شرایط نامطلوبی به آن دولت تحمیل گردد، در

13. Affaires des essais nucléaires français –Mémoire de l’Australie, p. 181 s. et 479 s.

حقیقت به اختیار و صلاحیت تصمیم‌گیری دولت مزبور که باید مورد احترام قرار گیرد، تجاوز و لطمه وارد شده است، بخصوص آنکه مخاطرات ناشی از مواد رادیواکتیویته، دولت زیان‌دیده را در وضعی قرار می‌دهد که قادر نخواهد بود از سرزمین خود آزادانه استفاده نماید، بلکه این استفاده و بهره‌گیری را باید با در نظر گرفتن مخاطرات اتمی و آلودگی‌های ناشی از آن انجام دهد. به این ترتیب حق نظارت و کنترل آن دولت را نسبت به نوع موادی که وجود آنها در قلمرو آن مجاز خواهد بود، تضعیف کرده و یا به‌کلی این حق را سلب می‌نماید.¹⁴

گرچه چنین استدلالی ممکن است ضعیف و بی‌اساس جلوه کند - زیرا به‌طورکلی و شاید هم منحصرأ، حاکمیت ارضی يك دولت با تجاوز فیزیکی و عملی به قلمرو دولت مزبور محقق می‌گردد - ولی باید توجه

14. Goldie, "The Nuclear Test Cases: Restraints on Environmental Harm: Journal of Maritime Law and Commercen vol. 5, p.491. Le Canada s'est servi du même argument à l'appui de sa réclamation en dommages contre l'URSS lors de la chute dans l'Arctique du satellite Cosmos 945. Le gouvernement canadien précise au paragraph 21 qu'il y a "interference with sovereign right of Canada to determine the acts that will be performed on its territory", dans vol. 18, ILM, p. 899, à la p. 907.

داشت که در قضیه تنگه کرفو¹⁵ دیوان بین‌المللی دادگستری به این دلیل که نیروی دریایی انگلیس بدون اجازه آلبانی در آب‌های آن کشور مبادرت به جمع‌آوری مین‌های دریایی کرده بود، این عمل را نقض حاکمیت آن دولت دانست. از نظر دیوان، این نقض حاکمیت نه تنها ناشی از تجاوز به قلمرو و سرزمین آلبانی بوده بلکه در عین حال به دلیل نادیده گرفتن و لطمه زدن به «حق تصمیم‌گیری» آن دولت، محقق شده است، مضافاً به اینکه استدلال مزبور مبتنی بر واقعیت غیر قابل انکار دیگری نیز می‌باشد و آن این است که دولت استرالیا خود شاهد این است که مردم این سرزمین در اثر اعمال دولت دیگری در معرض یک سلسله مخاطراتی قرار گرفته‌اند که هرگز مورد قبول و رضایت آنها نمی‌باشد...

تازگی و ویژگی این نظریه در این است که جنبه معنوی و روانی حاکمیت یک دولت که همانا «حاکمیت تصمیم‌گیری» است، بنیان جدید یا اساس مستقلاً می‌دهد، به این معنا که ممکن است حاکمیت ملی یک

15. (1949) Cour Internationale de Justice, p.4.

دولت نقض شود بدون اینکه به طور عملی و فیزیکی به قلمرو آن دولت تجاوزی صورت گرفته باشد.

ب. حاکمیت دولت و آلودگی‌های برون‌مرزی

در این موضوع سه نظریه به شرح زیر وجود دارد:

1. نظریه حاکمیت مطلق.
2. نظریه تمامیت ارضی مطلق.
3. نظریه حد وسط بین دو نظریه بالا.¹⁶

در حقوق بین‌الملل جدید، نظریه حاکمیت مطلق، طرفداران کمتری دارد. به موجب این نظریه هر دولت در قلمرو حاکمیت خود مجاز به انجام هر عملی می‌باشد، مگر آنکه یک تعهد بین‌المللی، این آزادی عمل را محدود کرده باشد.¹⁷

16. Colliard, "Aspects juridiques de la pollution transfrontière en ce qui concerne les eaux douces": Dans OCDE. Aspects juridiques de la pollution trans frontrière, p.275; Balleneger, La pollution en droit international, La responsabilité pour dommages causés par la pollution transfrontière (1975), p. 157-158.

17. Briggs, The Law of Nations, 1900, p. 240 s; non seulement est – il un des seuls à défendre cette position mais il semble même se contredire en matière de télécommunications et souveraineté.

برعکس، نظریه تمامیت ارضی مطلق پیروان زیادی دارد.¹⁸ به عقیده «اوپنهایم» هیچ دولتی حق ندارد از سرزمین و قلمرو خود برای ایجاد آشفستگی و اختلال در شرایط طبیعی سرزمین دولت دیگری استفاده کند. در این زمینه مسئله ورود یا عدم ورود خسارت مطرح نیست؛ زیرا به صرف اینکه به شرایط طبیعی و سلامت محیط کشور دیگری لطمه زده شود، می‌توان گفت که حق حاکمیت آن کشور در مفهوم «حق تصمیم‌گیری» راجع به چگونگی و شرایط محیط زیست مردم آن، نقض شده است.¹⁹

طرفداران نظریه سوم بر این عقیده اند که حقیقت در حد وسط دو نظریه فوق‌الذکر قرار دارد؛ به این معنا که باید بین حق حاکمیت کشور عامل از یک طرف و حق حاکمیت کشور زیان‌دیده از طرف دیگر، به نحوی الفت و سازش برقرار نمود

18. Oppenheim – Lauterpacht, *International Law* (1955), Vol. 1. p. 475 s; Huber, "Ein Beitrag Zur Lehre von der Gebietshoheit an Grenzflüssen": *Zeitschrift Zur Volkerrecht und Bundesstadtsrecht* (1907), p. 39 et 160; voir aussi, Canton de Soleure c. Cnton d'Agavia, Cour fédérale de Suisse, dans D. Schindler "The Administration of Justice in the Swiss Court in Intercantonal Disputes" AKO; vol. 15 (1921), p. 172 s: la Cour définit ici la souveraineté comme excluant, non seulement l'usurpation des pouvoirs d'un autre Etat, mais aussi toute atteinte qui puisse "préjudicier à l'usage naturel du territoire et le libre mouvement de ses habitants".

19. Op. cit. p. 475.

و بنا بر این در این‌گونه موارد منحصرأ لطمات و صدمات فاحش را باید جبران کرد.²⁰

رأی معروف کارخانه تریل براساس همین تفسیر استوار است. در این قضیه، دادگاه مامور رسیدگی به خسارات وارده از دود کارخانه تریل، «اعمالی را که برای دولت همسایه نتایج و آثار جدی به‌بار آورند»، محکوم کرد.²¹ بنا بر این با توجه به تکیه بر قاعده *(de minimis non curat lex)* ترجیحاً باید تعیین حدود و دامنه خسارات و صدمات فاحش و سنگین را با توجه خصوصیات هر مورد به‌عده دادگاه گذارد.

به این ترتیب، تحول جدید حقوق بین‌الملل که در جهت ادغام و همبستگی بیشتر منافع و مصالح کشورها است، نظریه حاکمیت مطلق را رد می‌کند، مضافاً به اینکه ممکن است اعمال این نظریه به

20. Smith, *The Economic Uses of International Rivers* (1931), p. 150 s; Brierly, *The Law of Nations* p. 204-205; Andrassy, *Les relations internationales de voisinage* dans *Cours La Haye*, 1951, tome 79, p.78.

21. 3 RIAA, p.1907 s. et 1939 s; particulièrement à la p.1965.

*. دادگاه (یا قانون) جزئیات را در نظر نمی‌گیرد». این یک اصل کلی حقوقی است که تخطی از پاره‌ای جزئیات آئین دادرسی و نظایر آن، مانع کار دادگاه نیست. «مترجم».

نتایج غیر عادلانه‌ای نیز منتهی گردد. به هر حال، دکترین حقوق و رعایت اصل عدالت و انصاف، قبول یک سیستم حد وسط را بهتر توجیه می‌کنند. ولی در آنچه مربوط به آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای می‌گردد، نظریه تمامیت ارضی مطلق و نظریه سیستم حد وسط، منتج به نتیجه واحدی می‌گردند؛ زیرا آثار ریزش‌های رادیواکتیو ناشی از انفجارات اتمی، به هر حال و در مفهوم رای کارخانه تریل، (آثار و نتایج جدی) دارد.

به‌موجب رأی کارخانه تریل، برای تحقق «آثار و نتایج جدی»، وجود عامل دیگری نیز ضرورت دارد که عبارت است از ارائه «ادله روشن و قطعی» در مورد خسارات وارده.²²

در اینجا موضوع دیگری نیز مطرح می‌شود که همانا «قابلیت رسیدگی حقوقی یک ادعا» است، به این معنا که باید دید آیا یک دادگاه می‌تواند بدون اینکه خسارتی مادی به دولت مدعی وارد شده باشد، منحصراً به جنبه نقض معنوی و

22. V.supra, note 29.

رواني حاكميت يك دولت اظهار نظر قضائي
كند؟

به عبارت ديگر، در چنين مواردی اگر
دولت مدعي نتوانست ورود خسارات مادي را
ثابت كند و تنها به استناد مخاطرات
ناشي از پرتوها و ريزشهاي راديواكتيو،
مدعي غرامت شد، آيا مي توان گفت كه دعو
اساس موضوعي ندارد؟

اگر سؤال را در چارچوب رويه قضائي
ناشي از قضيه تنگه كورفو جستجو كنيم،
پاسخ مثبت خواهد بود؛ زيرا در قضيه
مذكور، ديوان اعلام مي كند كه عمليات
«جمع آوري مينها» توسط انگليس در آبهاي
آلباني، با نقض حاكميت اين دولت صورت
گرفته است و صرف اعلام و تصديق اين نقض
از طرف ديوان را بايد به عنوان وسيله
جلب رضايت آلباني تلقي كرد. اين رويه
قضائي نشان مي دهد كه ديوان براي جبران
«نقض حق تصميم گيري» به چه نحوي عمل
مي كند.

در آنچه مربوط به دعاوي ناشي از
آزمائشهاي اتمي است، يك ادعا و مطالبه
مي تواند متضمن موضوع ديگري نيز باشد و
آن تقاضي «قطع اين آزمائشها» است. در

این مورد، بهترین مثال قضیه آزمایش‌های اتمی فرانسه مطرحه در دیوان بین‌المللی دادگستری است که دولتهای مدعی تقاضا داشتند دیوان حکم به قطع این آزمایش‌ها بدهد، ولی دیوان به این دلیل که فرانسه متعهد شده بود این آزمایش‌ها را قطع کند، این تقاضا را به علت فقد موضوع، مختومه اعلام کرد.²³

در زمینه حقوقی، رعایت و احترام «حاکمیت تصمیم‌گیری» یک دولت و غیر قابل نقض بودن این حاکمیت، به این ترتیب توجیه می‌شود که در شرایط فعلی، پیشرفت تکنولوژی به درجه‌ای رسیده است که امکان تجاوز به مرز و حریم یک کشور وجود دارد بدون اینکه فاصله‌ای طی شود و یا اینکه این تجاوز به صورت فیزیکی انجام گیرد. به این ترتیب، اقدامات یک کشور در سرزمین خود می‌تواند موجب ورود خسارت به دولت دیگری شود بدون اینکه این اقدامات عملاً در سرزمین دولت خسارت‌دیده صورت

23. (1974) CIJ, P. 253 à LA P. 269 s; Pour une étude plus approfondie de la question, cf. Handl, "Territorial Sovereignty and The Problem of Transnational Pollution", : 69 AJIL (1975), p. 51; Reuter, dans l'Annuaire de la Commission Internationale de Droit (1970), p. 188, para 13; Cheng, General Principles as Applied by Internationale Courts and Tribunals, p. 285; Dupuy, La responsabilité internationale des Etats pour les dommages d'origine technologique et industrielle (1976), p. 219.

گرفته باشد. در نتیجه، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی باعث می‌شوند که اعمال حاکمیت انحصاری دولت‌ها به شدت آسیب‌پذیر شود و در چنین شرایطی است که باید اجازه داد تا حقوق بین‌الملل جدید، قلمرو خود را به تمامیت و احترام حاکمیت و صلاحیت تصمیم‌گیری دولت‌ها توسعه دهد.

2

حق بنیادی برای داشتن محیط زیست سالم

مدت درازی از پدید آمدن این فکر نمی‌گذرد که لازم است حق انسان‌ها به داشتن یک محیط زیست سالم از طریق قراردادهای بین‌المللی دسته‌جمعی و همچنین قوانین داخلی کشورها به صورت یک حق قانونی و مورد حمایت، شناخته شود. در سال 1954 دولت ژاپن به منظور قطع آزمایش‌های اتمی آمریکا در اقیانوس کبیر و به طور کلی قطع هر نوع آزمایش اتمی و جبران خسارات ناشی از این آزمایش‌ها استناد به (دکترین حقوق شخص)* نمود.²⁴

*. Doctrine des Droits de la Persanne.

حقوقدانان ژاپني بر اساس اصل احترام به شئونات انساني که بنياد دکترین حقوق شخص است، انهدام و کشتار بي رحمانه انسانها در اثر اين آزمایش را شديدترین تجاوز به شئونات و احترامات انسان تلقي کردند.²⁵

ده سال بعد کمیته مشورتي حقوقي آسیايي و افريقايي به نوبه خود در گزارش تنظيمي، آزمایشهاي اتمي را مغاير منشور سازمان ملل و اعلاميه جهاني حقوق بشر دانست.²⁶

براي نتیجه گيري روشن تر در مورد حق محیط زیست سالم، ضروري است مقدمات اصول دکترین حقوق شخص بررسی گردد.

24. در اول مارس 1945 هنگامي که امريکا دومين بمب هيدروژني خود را آزمایش مي کرد، در اثر باد شديد ناگهاني که وزيد و همچنين اشتباه در محاسبه قدرت بمب، ماهيگيران ژاپني در معرض مواد و ذرات راديواکتيو قرار گرفتند و يکي از اين صيادان درگذشت و مقادير معتنايی از منابع حيواني سواحل ژاپن آلوده شدند. دولت امريکا بمنظور اينکه در مورد مسئوليت دولتي که مبادرت به اينگونه آزمایشها مي کند، يك سابقه قضائي بوجود نيايد، خسارات وارده به صيادان ژاپني به طور *ex gratis* [از روي حسن نيت نه به عنوان وظيفه يا تعهد] پرداخت.

25. Yamanouchi, "Appeal for Prohibition of Atomic and Hydrogen Weapons", dans Les juristes prennent position contre l'expérimentation et l'utilisation des armes atomiques, Association internationale des juristes démocrates (1954), p. 5.

26. Supra, note 2, à la p. 244.

الف. حفاظت محیط زیست و حقوق شخص

اگر حق دسترسی به محیط زیست سالم را به عنوان حق بنیادی* جدیدی تلقی کنیم، باید مقدماتاً این تعریف را سنجید و تحقیق نمود که چه حقوقی در عداد حقوق‌های بنیادی هستند؟ گفته شده است حقوق بنیادی آن گروه حقوقی هستند که برای انسانها واجد اهمیت بنیادی می‌باشند.²⁷

چنین پاسخ و نحوه تعریفی در حقیقت تکرار این سوال است و موضوع را روشن نمی‌کند؛ زیرا اینکه چه چیزهایی برای انسان‌ها اهمیت بنیادی دارند، امری است تصویری و ذهنی، حال آنکه در مسئله موضوع بحث ما یک حقیقت و واقعیت عینی وجود دارد و آن عبارت است از (شرایط ضروری برای سلامتی انسان‌ها) که باید به عنوان یک حق بنیادی غیر قابل انکار تلقی شود. این حق بنیادی، در حقیقت حق حیات و زندگی است. مثلاً می‌توان گفت حق رفتن به

*. droit fondamental.

27. Danelius, dans Council of Europe Consultative Assembly – Parliamentary Conference on Human Right: What rights should be protected? P.11, particulièrement p.25.

ییلاق و محیط سبز شاید حقی باشد
تفنی،²⁸ ولی حق انسان به داشتن محیط
زیست پاک و خالی از مواد رادیو آکتیو
یک حق بنیادی است.

چه بسا با الهام از همین فکر و
عقیده بود که دولت‌ها در کنفرانس سازمان
ملل در مورد محیط زیست انسانی، طی
اعلامیه‌ای (داشتن محیط زیست سالم و قابل
زندگی با توجه به شئون و رفاه
انسان‌ها) را یک حق شناختند.²⁹
به این ترتیب، حق دسترسی به محیط زیست
سالم، به عنوان یک حق بنیادی باید مورد
حمایت قرار گیرد.³⁰

ب. آزمایش‌های اتمی، ناقض حقوق شخص است
دو دولت استرالیا و زلاندنو برای
محکوم کردن آزمایش‌های اتمی فرانسه در
دریای آزاد، در مدافعات خود در مقابل

28. European Conservation Conference – Declaration on the Management of the Natural Environment in Europe (Strasbourg 9-12 février 1970).

29. Conférence des Nations Unies sur l'environnement humain, Stockholm, 1972.

30. A propos de la protection de l'environnement comme droit fondamental: Dickstein, *Affairs*, 1972, p. 245, particulièrement à la p.250; Hondius, "Environment and Human Rights" *Yearbook of the AAA*, vol. 41, 1971, p. 68; Paul de Visscher, *La protection de l'atmosphère en droit international*, Rapport général soumis au 7^e Congrès de Droit Comparé, Uppsala, 1966, à la p. 359.

دیوان بین‌المللی دادگستری متوسل به نظریه حقوق شخص گردیده و در تشریح و تحلیل این نظر، به قواعد بعضی از قراردادهای بین‌المللی که به‌نحوی از انحاء و یا به‌طور غیر مستقیم به موضوع مربوط است استناد می‌کردند، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، از جمله حق مساوات (ماده 1) - حق زندگی، آزادی و امنیت (ماده 3) - منع هر نوع رفتار بی‌رحمانه، غیر انسانی و خفت‌آور (ماده 5) - تضمین حق ازدواج و تشکیل فامیل (ماده 16) - حق داشتن تامين اجتماعي (ماده 22) - حق داشتن سلامتی و رفاه (ماده 25) - و بالاخره حق زندگی در يك نظم اجتماعي و بين‌المللي که در آن، این حقوق و آزادی‌ها مورد احترام باشند (ماده 28). به‌علاوه این دو دولت در پشتیبانی از نظر خود استناد به قرارداد بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعي و فرهنگي نمودند که در ماده 12 آن حداقل استاندارد سلامتی پیش‌بینی شده است.³¹

برای جلوگیری از اطاله مطلب بهتر است به آن قواعدی اشاره کرد که واقعا

31 . Mémoire de l'Australie, p. 375, 276.

ناظر به حق دسترسي به يك محيط زيست سالم است و از ذكر ديگر قواعد قراردادي كه صرفاً به منظور تكميل لايحه دفاعيه استراليا بوده و مستقيماً به موضوع ارتباط ندارد، صرفنظر نمود.³² مثلاً ماده 22 در مورد حق تامين اجتماعي، ارتباطي با موضوع ندارد، گرچه مي‌توان گفت كه ترس و نگراني مردم استراليا از اين آزمايش‌هاي اتمي متضمن خسارات معنوي و رواني نيز بوده است. ولي حق ازدواج و تشكيل فاميل به نحو مناسب‌تري با موضوع مربوط مي‌باشد؛ زيرا ريزش ذرات و پرتوهاي راديو اکتيو آثار و خيمي در توليد نسل دارد.

در مورد استناد به ماده 1 اعلاميه جهاني حقوق بشر نيز بايد گفت اينكه فكر عدم مساوات بين ملت استراليا و ملت فرانسه باعث شده است كه فرانسه به خود اجازه مي‌دهد اين آزمايش‌ها را به ملت استراليا تحميل كند، نظري است بي‌معنا و غير واقعي. ولي به علت آثار و نتايج و خيم ناشي از مواد راديو اکتيو در سلامت جسماني و رواني، استناد به موادي از

32. Et de la Nouvelle-Zélande.

اعلامیه فوق‌الذکر مانند حق زندگی، حق سلامت بودن و رفاه داشتن، منع هرگونه رفتار غیر انسانی و به‌طور کلی حق داشتن يك نظم بین‌المللی که احترام و رعایت این حقوق را تضمین کند، بهتر و بیشتر منطبق با غیر قانونی بودن این آزمایش‌ها است. همچنین ماده 12 قرارداد بین‌المللی در مورد حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نیز حق حفظ محیط زیست نیز به‌طور روشن با مسئله ارتباط دارد؛ زیرا در بند (2/ الف) این ماده پیش‌بینی شده است که امضاء کنندگان متعهد می‌شوند که در تقلیل مواردی که نوزاد مرده به دنیا می‌آید، اقدام کنند و در بند (ب) متعهد به اقدام در بهبودی همه‌جانبه در بهداشت محیط زیست و بهداشت صنعتی می‌باشند. بنابراین، خسارات وارده به نطفه و نسل و آلودگی‌های ناشی از آزمایش‌های اتمی، می‌تواند موضوع مستقیم این قواعد باشند. به‌علاوه دلایل دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آنها می‌توان گفت آزمایش‌های اتمی، ناقض دکترین حقوق شخص می‌باشند.³³ مثلاً می‌توان در این مورد استناد به قرارداد

33. Lee, supra, note 1; à la p.319.

بین‌المللی ناظر به حقوق مدنی و سیاسی کرد که در ماده 2 آن حق رجوع به دادگاه برای تامین و رعایت این حقوق، تضمین شده است. ولی یک رأی صادره از دادگاه عالی توکیو نشان داد که در شرایط فعلی، هیچ راهی - چه در زمینه عملی و چه در زمینه حقوقی - برای جبران خسارات اتمی وجود ندارد. در سال 1955 عرض‌حال پنج ژاپنی زیان‌دیده از آزمایش بمب‌های هیدروژنی آمریکا از طرف دادگاه عالی توکیو رد شد؛ زیرا به‌نظر دادگاه با فقدان قرارداد خاص، افراد حق مطالبه خسارت از یک دولت خارجی را ندارند.³⁴ این مورد نشان می‌دهد که آزمایش‌های اتمی تا چه حد به حقوق بنیادی انسان‌ها لطمه می‌زند.

ماده 7 قرارداد فوق متضمن قاعده‌ای است که احتمالاً مؤثرترین وسیله برای جبران خسارات اتمی است. به‌موجب این ماده استفاده از انسان برای آزمایش‌های علمی بدون رضایت او ممنوع است. اگرچه تصور نمی‌رود واضعان این ماده به آزمایش‌های اتمی فکر کرده باشند، ولی

34. *Recours conjoint en dommages, 1955, Cour Supérieure de Tokyo.*

می‌توان استدلال کرد که ساکنان نواحی نزدیک به محل آزمایش‌های اتمی، انسان‌هایی هستند که بدون رضایت و موافقت آنها موضوع آزمایش‌های علمی قرار گرفته‌اند.

به‌طور کلی در پرتو این قواعد و اصول حقوق بنیادی و تحولات آنها، می‌توان گفت که آزمایش‌های اتمی در دریای آزاد به‌علت مخاطراتی که ایجاد می‌کنند و وخامت نتایج حاصله از آنها، ناقض (1) شئون انسانی، (2) حق زندگی، (3) حق سلامت بودن و رفاه داشتن، می‌باشند.

3

نظریه محیط زیست مشترک*

گرچه اساس نظریه «محیط زیست مشترک» ظاهراً مشابه اصل «دارایی مشترک انسانی»** است، ولی در عمل و اجرا از آن متمایز می‌شود؛ زیرا مفهوم «دارایی مشترک انسانی» صرفاً ناظر به منابع دریای آزاد و ته دریا و یا فضای خارج

*. environnement commun.

** . Patrimoine commun de l'humanité.

از حاکمیت ملی دولت‌ها³⁵ می‌باشد؛ در حالی که مفهوم «محیط زیست مشترک» به‌طور کلی ناشی از این اصل است که کره زمین محیط زیست غیر قابل تقسیمی را تشکیل می‌دهد که کلیه عناصر آن با یکدیگر همبستگی دارند. بنابراین، این، خسارات وارده به این محیط و مسئولیت دولت‌ها در این باره، نباید منحصرأً محدود به مرزهای ملی و قلمرو حاکمیت آنها باشد. اکنون این سوال مطرح می‌شود که آیا این دونظریه جدید را باید از موارد مربوط به تحول حقوق بین‌الملل دانست یا اینکه صرفاً آنها را مترادف با مفهوم «اموال مشترک»^{*} تلقی نمود؟ در وهله اول به‌نظر می‌رسد که این دو نظریه مشابه‌اند؛ در حالی که بین آنها يك وجه تفكيك اساسي وجود دارد، به این معنا که نظریه «محیط زیست مشترک» برای دولت‌ها ایجاد حق و تکلیف می‌کند؛ یعنی آنها را موظف می‌نماید که حتی نواحی و مناطق خارج از محدوده صلاحیت و حاکمیت ملی خود را در

35. Pour une synthèse de l'évolution du principe du patrimoine commun de l'humanité voir Sohn, The U.N. and the Oceans, 23 rd Report of the Commission to Study the Organization of Peace (1973).

* . Res Communis.

قبال آلودگي‌هاي گوناگون حفظ نمايند. انتخاب اصطلاح *shared environment* که این تئوري با آن ریشه گرفته و تثبیت شده است، مویید این نظر می‌باشد. فعل *to share* متضمن عنصر عمل و حرکت مثبت است؛ در حالی که اصطلاح (اموال مشترک) چیزی جز *یک* وضع حقوقی عملی را متبادر به ذهن نمی‌سازد و سرانجام باید اضافه کرد که نظریه (محیط زیست مشترک)، منشا تکالیف جدید و در نتیجه مسئولیت‌های جدیدی برای دولت‌ها شده است. اما قبل از اینکه به این تکالیف و مسئولیت‌ها اشاره کنیم، ضروری است ماهیت حقوقی این نظریه را بررسی نماییم.

الف. ماهیت حقوقی نظریه (محیط زیست مشترک)

در حقیقت، این سؤال مطرح است که آیا دولت‌ها در مورد جلوگیری از آلودگی دریاهای که خارج از محدوده صلاحیت و حاکمیت آنها است، تعهد و تکلیف خاصی دارند که اعتبار قانونی داشته باشد؟ اگر فرض کنیم این تعهد ناشی از مفهوم «اموال مشترک» است، در این صورت

صرفاً اعتبار يك قاعده عرفي را خواهد داشت،³⁶ در حالي كه در مورد «محيط زيست مشترك» قبلا گفته شد كه چه اختلاف و تمايزي با اصل «دارايي مشترك انساني» دارد. قواعد ناظر به محيط زيست مشترك، مجموعه قواعد و تصميماتي هستند كه خط مشي‌هاي ضروري را براي حفظ محيط زيست ارائه و تجويز مي‌كنند. مدلل و روح قراردادهاي گوناگون در اين مورد و رويه و روش دولتها مابين اين است كه مجموعه قواعد و ضوابط روشني كه اعتبار قانوني و اجرائي خواهند داشت، در حال ايجاد است. در اين زمينه مي‌توان به قرارداد بين‌المللي جلوگيري از آلودگي درياها با مواد نفتي و قرارداد ماهيگيري و حفاظت منابع بيولوژيكي دريائي آزاد و بخصوص بند 2 ماده 1 اعلاميه كنفرانس سازمان ملل در مورد محيط زيست انساني³⁷ و غيره اشاره كرد. بعضي از قطعنامه‌هاي سازمان

36. C'est l'approche de Bleicher, "An Overview of Environmental Regulation": *Ecology Law Quarterly*, 1, 1972, p.1 à la p. 51; plus précisément, il déduit une obligation de protéger les milieux marins, de l'obligation contenue dans la notion de "res communis" de faire des ressources communes un "usage raisonnable".

37. Particulièrement au principe 7 affirmant la responsabilité des Etats dans la sauvegarde du patrimoine naturel. Aussi, principes de l'OCDE sur l'environnement au paragraphe 8.

ملل نیز در تایید این نظرات است،³⁸ بخصوص قطعنامه گروه کار در مورد ارثیه‌های مشترک انسانی³⁹ و قطعنامه‌های ناظر به حفاظت بعضی از جزایر برای مطالعات علمی⁴⁰ و غیره.

ب. تعهدات و مسئولیت‌های دولتها

نکته اساسی در این تحول حقوق بین‌الملل این است که در مفهوم «محیط زیست مشترک» برای اینکه مسئولیت دولتی به دلیل آلوده کردن محیط زیست برانگیخته شود، ضرورتی نیست تا از طرف دولت دیگری دلایلی بر ورود خسارت ناشی از عمل دولت مسئول ارائه گردد. می‌توان گفت این تحول، نظریه حقوقی جدیدی به وجود آورده است که در مقایسه و تشابه با حقوق داخلی، اگر منجر به ایجاد یک حق اقدام قضائی دسته‌جمعی در زمینه بین‌المللی نشده باشد، لااقل یک «حق دسته‌جمعی» به وجود آورده است.

38. ONU Doc. A/Conf. 48/IWGC I/13.

39. ONU Doc. A/ Conf. 48/IWGC I/12.

40. ONU Doc. A/Conf.48/IWGC I/4.

بنابراین، در مورد خسارات وارده به محیط زیست مشترك، مسئولیت يك دولت در شرایط زیر مصداق پیدا می‌کند:

1. در صورتی که دولت توانایی کنترل و یا جلوگیری از بروز خسارت را داشته باشد.

2. در صورتی که خسارات وارده، به منابع جامعه بین‌المللی لطمه زده باشد، ولي دولت اقدامی ننماید.⁴¹

مواد 1-235 و 3-263 سومین کنفرانس حقوق دریاها ناظر به اعمال اصول مذکور است:

«1-235. دولتها وظیفه دارند به تعهدات بین‌المللی خود در مورد حفظ و حمایت دریاها عمل نمایند و به‌موجب حقوق بین‌الملل مسئولیت دارند».

«3-263. دولتها و سازمان‌های ذی‌صلاحیت، بنابر ماده 1-235 مسئول خساراتی هستند که در نتیجه آلودگی آب دریاها به علت تحقیقات علمی دریایی که از طرف آنها

41. Kirgis, "Technological Challenge to the Shared Environment: United States Practice": 66 AJIL (1972), p. 290; Tiewul, v. supra, note 1, à la p. 62; Rubin v. supra, note 8. Lee, supra, note 1, aux p. 312-313; Rubin, op.cit.

صورت گرفته و یا به حسابشان انجام شده، وارد گردیده است».⁴²

ج. آزمایش‌های اتمی، ناقض اصل محیط زیست مشترک می‌باشند

نظر به اینکه دولت‌ها ضمن استفاده مسالمت‌آمیز از منابع دریاها مکلفند از زیان وارد کردن به دریا و منابع دریایی خودداری کنند، بنابراین انجام آزمایش‌های اتمی در این مناطق با این قاعده مغایرت دارد؛ زیرا انفجارات اتمی، منجر به آلودگی آب‌های دریایی و نابودی منابع گیاهی و حیوانی آن شده و در نتیجه به تمام جامعه بین‌المللی خسارت وارد می‌شود، مضافاً به اینکه این انفجارات اتمی در واقع با سبق تصمیم و تحت کنترل یک دولت انجام می‌گیرد.⁴³

4. نتیجه

ارزش حقوقی این گرایش‌های جدید در حقوق بین‌الملل عمومی بسیار واجد اهمیت است و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت؛

42. Troisième conférence des Nations Unis sur le droit de la mer.

43. L'article 2, alinéa 2 la Convention sur la haute mer Souligne en quoi les expérimentations nucléaires à "l'intérêt que la liberté de la haute mer présente pour les autres États".

زیرا همه دولت‌ها در عمل، این گرایش‌ها و تحولات جدید را پذیرفته‌اند.

نظریه غیر قابل نقض بودن «حاکمیت تصمیم‌گیری» که در قضیه آزمایش‌های اتمی فرانسه در مقابل دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردید، ادعا و مطالبه کانادا علیه دولت شوروی پس از سقوط ماهواره کاسموس 954 در خاک آن کشور، اعتراض و مخالفت بسیاری از کشورهای اروپایی و امریکای جنوبی با ازدیاد و هجوم امواج رادیویی به فضای آنها، پیش‌بینی حق داشتن «محیط زیست سالم» در اعلامیه استکهلم و سرانجام مجموعه قراردادهای دریایی و پیدایش و تحول سریع نظریه «دارایی مشترک»، همه موجد وجود این گرایش جدید است که باید برای کلیه دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی برای حفظ و حمایت محیط زیست، حق و تکلیفی شناخت، مضافاً به اینکه چون این قواعد مورد قبول اکثر دولت‌ها قرار گرفته‌اند و مستمراً به آنها عمل می‌شود، در نتیجه به خودی خود قابلیت اجرایی جهانی پیدا می‌کنند، زیرا زاییده و ناشی از تحولات حقوق عرفی بین‌المللی می‌باشند

که همه دولت‌ها بدون استثنا در آن
ذینفع‌اند.

في الواقع باید گفت در احترام و
رعایت آزادی دولتهای دیگر در
«تصمیم‌گیری» نسبت به قلمرو حاکمیتشان،
تمام دولت‌ها دارای حق و تکلیف می‌باشند
و این حق و تکلیف نیز هنگامی مصداق
عملی و واقعی پیدا می‌کند که دولت‌ها
برای نقض آن ضمانت اجرا قائل شوند؛
زیرا به‌طوری که گفته شد، چون این امکان
وجود دارد که بدون صورت گرفتن تعرض و
تجاوز فیزیکی به مرزها و قلمرو یک
کشور، حاکمیت تصمیم‌گیری دولت آن کشور
نقض گردد، بنابر این آیا منطق ایجاب
نمی‌کند که این حاکمیت مورد حمایت حقوق
بین‌الملل قرار گیرد؟

در آنچه که مربوط به حق داشتن محیط
زیست سالم می‌شود باید گفت این حق در
واقع چیزی جز توسعه حق زندگی و حق
احترام به موجودیت انسان نیست که از
جمله حقوقی می‌باشد که از مدت‌ها قبل
شناخته شده است.

و بالاخره حفظ محیط زیست مشترک که
موجد حق و تکلیف برای همه دولت‌ها

می‌باشد، ناشی از این نگرانی همگانی است که منابع طبیعی که برای جامعه انسانی جنبه حیاتی دارند، به‌مرور از بین می‌روند.

اعمال این نظریات جدید در مورد آزمایش‌های اتمی که با مخالفت و محکومیت تقریباً همه دولت‌ها نسبت به این آزمایش‌ها هماهنگ و منطبق هستند، به‌نظر گروهی از هم‌اکنون در عداد قواعد عرفی بین‌المللی درآمده‌اند. حقوق بین‌الملل در توسعه و تحول همیشگی خود در حفظ منابع جامعه بین‌المللی، چارچوبی را تشکیل می‌دهد که آزمایش‌های اتمی در آن جایی نداشته و توجیه‌ناپذیرند.